



علت‌شناسی جرایم و تخلفات انتظامی مهندسان از منظر جامعه‌شناسی جنایی

رجب گلدوست جویباری^۱
محمدرضا داراب‌پور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده

فجایع مهندسی نظیر متروپل و پلاسکو که بعضاً ناشی از انحراف از رفتارهای استاندارد مهندسی و انواع جرایم دیگر می‌باشد، روند فزاینده‌ای به خود گرفته‌است. این مقاله بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش مصاحبه‌باز درصدد یافتن چرایی وقوع این گونه جرایم و تخلفات خاص صنف مهندسی از منظر جامعه‌شناسی جنایی است و بر این فرضیه استوار است که اگرچه عامل اقتصادی نقش شگرفی در وقوع جرم در دنیای مهندسی دارد، لیکن، بنیادی‌ترین علت وقوع جرم نیست. بلکه، عواملی نظیر فرآیند ناصحیح پرورش مهندسان، باور به صحت و عقلانیت رفتار مجرمانه از جانب مجرم و به ویژه پایبندی به اهداف و تلاش برای بقای گروه مهندسی از مهم‌ترین عوامل جرم‌زا در این صنعت است. تحقیق حاضر، با محوریت قرار دادن جرایم عمومی و تخلفات خاص صنف مهندسی با ضمانت اجرایی قانونی مشخص و بدون در نظر گرفتن هنجارشکنی‌های صرفاً اجتماعی، به علت‌شناسی بزه در صنعت ساخت می‌پردازد. این پژوهش، با کنکاش در نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی به نظریات اقتصاد محور، خردمحور، معاشرت‌های ترجیحی، فشار و فنون خنثی‌سازی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مهندسان بزهکار، حسابگرانی متفکر و اجتماعی هستند، که در قریب به اتفاق رفتارهای بزه‌گونه خود، استدلال‌های ظاهراً عقلانی و انسان‌دوستانه دارند. همچنین، مهندسانی که خود صاحب سرمایه نیستند در موارد کثیری در قبال ارتکاب جرم درخواست هیچ منفعت یا عایدی ندارند و آن را یک وظیفه خردمحور می‌پندارند. نهایتاً این نتیجه حاصل شد که از میان نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی، نظریه

^۱ دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: R-Goldoust@sbu.ac.ir

^۲ استادیار مهندسی عمران موسسه آموزش عالی علامه ربیعی و دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

Email: Darabpour@gmail.com

فنون خنثی‌سازی و معاشرت‌های ترجیحی، مناسب‌ترین نظریه‌ها برای علت‌یابی رفتارهای مجرمانه قشر مهندسی است.

کلید واژه‌ها

مهندسان، جامعه‌شناسی جنایی، فنون خنثی‌سازی، معاشرت‌های ترجیحی، نظریه فشار.

مقدمه

تا زمانی که چرایی امری مشخص نباشد تمام پاسخ‌ها جنبه احتمالی خواهد داشت. بی‌شک نظام کیفری به تحلیل واقع‌بینانه از وضعیت و مختصات اجتماعی جرم نیاز دارد تا سیاست‌های مبتنی بر انواع پیشگیری‌ها و سزادهی خود را منطبق بر واقعیت موجود تنظیم نماید (یامینی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۸). چرایی وقوع جرایم و تخلفات صنعت‌ساخت سؤالی است که بیشتر با پاسخ عوامل اقتصادی همراه بوده‌است. از عصر مارکس به این سو اعتقاد راسخی بر این موضوع وجود داشته که بی‌عدالتی اقتصادی اساساً عاملی جرم‌زا است (حطمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۱-۱۱۴). لیکن، بعد از آن نیز محققان متعددی این نظر را نقد یا تکمیل نموده و عوامل جرم‌زای دیگری را شناسایی نموده و در باب علل وقوع جرم از منظر جامعه‌شناختی جنایی سخن رانده‌اند. اما، تحقیقاتی که در حوزه علل وقوع انواع بزه‌ها در حوزه صنعت‌ساخت صورت پذیرفته‌اند، عمدتاً و به صورت اغراق‌آمیزی عامل اقتصاد را اصلی‌ترین محرک وقوع جرم و تخلفات در پهنه صنعت‌ساخت معرفی نموده‌اند. این در حالی است که با توجه به اطلاعات حاصل شده در این تحقیق، اگرچه عامل اقتصادی نقش کلیدی در وقوع جرم دارد اما در دنیای مهندسی در بسیاری از موارد علت وقوع جرم یا تخلفات انتظامی بحث اقتصادی نیست. وانگهی مهندسان افراد اجتماعی و خرد محوری هستند و باید رفتارهای آنها را بر اساس سایر تئوری‌های جامعه‌شناختی مورد ارزیابی قرار داد و بسنده کردن به بعد اقتصادی در تبیین شیوه‌های پیشگیری از جرم در تبیین سیاست‌های کیفری جامعیت لازم را ندارد و نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت.

معطوف نمودن تمام علل به عدم توازن و تعادل اقتصادی می‌تواند مضر و دارای آثار معکوسی باشد. البته این سخن به این معنا نیست که در زمان کنونی بی‌عدالتی اقتصادی در دنیای مهندسی بیداد نمی‌کند! ولی تمام ماجرا به بعد اقتصادی ختم نمی‌شود و توجیه‌کننده جرایم و تخلفات صنفی مهندسانی که با اهدافی غیر از اهداف اقتصادی در حوزه کاری خود مرتکب بزه می‌شوند، نیست. برخلاف دیدگاه سنتی در پست‌مدرنیسم و اندیشه‌های نوین علت جرم، تک‌بعدی، قطعی، خطی و قابل پیش‌بینی نیست، بلکه وابسته به شرایط اولیه و مؤلفه‌های بعضاً ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی است (نجفی‌ایرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۹-۴۶).

جرایم ساختمانی وابسته به عوامل مختلفی است. عده‌ای از این عوامل با موقعیت‌ها، ذهنیت‌ها، پتانسیل‌ها یا محرک‌های پیش‌اجرم پیوند خورده‌اند. پاره‌ای دیگر موقعیت مدارانه هستند که فرصت مناسب برای ارتکاب بزه را فراهم می‌آورند و نهایتاً خصیصه‌های فردی و روانی است که بزه‌کار در گذر زمان آنها را به صورت مستقیم یا با واسطه فرا گرفته یا از جانب محیط پیرامونی اکتساب می‌نماید (محمدنسل و اشراقی، ۱۳۸۸: ۷۹-۱۰۲). از آنجا که هیچ پدیده مجرمانه‌ای بدون علت نیست و از دریچه نگاه جامعه‌شناختی انسان در تعامل با عوامل بیرونی مرتکب بزه می‌شود. در این مقاله، سعی شده است تا علل مرتبط با جرایمی وقوع جرم در صنعت ساخت از منظر جامعه‌شناسی جنایی مورد واکاوی قرار گیرد. به بیانی دیگر، آنچه در این نوشتار مطرح نظر است ارزیابی عوامل جامعه‌شناختی و محیط پیرامون بزه‌کاری در دنیای مهندسی است که فرد را به سمت بزه سوق می‌دهد.

این تحقیق ضمن پذیرش این واقعیت که عامل اقتصادی بی شک از عوامل بسیار مؤثر در وقوع بزه بوده و هست، سعی نموده جنبه‌های پنهانی که در وقوع جرایم و تخلفات انتظامی از جانب مهندسان نقش آفرین است را مورد واکاوی قرار دهد. لازم به ذکر است، در این مقاله هرچا نامی از مهندس به میان می‌آید عموم افرادی را در بر می‌گیرد که در صنف مهندسی نقش تصمیم‌گیرنده را ایفا می‌نمایند و الزاماً مدرک مهندسی ندارند.

البته باید اذعان نمود، بررسی تمام علل انحرافات مهندسی در معنای عام خود، نیازمند تحقیقات گسترده دیگری است. لذا به منظور تحقیق‌پذیر بودن این پژوهش، تخطی از رفتارهایی که ضمانت قانونی یا درون صنفی شناخته شده دارند، مورد مطالعه قرار گرفته است و از بررسی هنجارشکنی‌های اجتماعی گروه مهندسی، که تنها جنبه اجتماعی داشته و ضمانت‌های اخلاقی دارند اجتناب شده است. به بیان دیگر، محدوده تحقیق معطوف به جرایم شناخته شده قانونی و تخلفات انتظامی جامعه مهندسی است.

لازم به ذکر است که، اگرچه جرم و تخلف اشتراکات زیادی دارند لیکن نباید آنها را یکی دانست. ظاهراً مقنن تعریف جامع و مانعی از تخلف و مسئولیت انتظامی ارائه نداده و فقط به ذکر مصادیق بسنده کرده‌است (شهیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۵۶). در تعریفی عام می‌توان، مسئولیت انتظامی را ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض مجموعه‌ای از ضوابط، وظایف و تکالیف قانونی دانست که بر گروه یا شخصی خاص به سبب وابستگی یا عضویت در صنفی مشخص و یا پذیرش مسئولیتی خاص، تحمیل شده‌است. در حقیقت، مسئولیت انتظامی ناظر بر مسئولیت ناشی از نقض دسته‌ای از قواعد حقوق عمومی و صنفی است که با نگرشی حمایتی، استانداردهایی را در رابطه با اخلاق حرفه‌ای، کیفیت و امنیت رفتار اشخاص حقیقی و حقوقی وضع می‌نماید. این مقررات می‌تواند مشتمل بر قواعد مربوط به سلامتی و امنیت در محیط کار، سلامت عمومی و حفاظت از محیط زیست، ایمنی کالاهای و مقررات عمومی ساختمان شود.

۱. پیشینه موضوع

انسان‌ها بازیگران محاسبه‌گری هستند و اگر هزینه انجام کاری کمتر از منافع آن باشد در صورت نبود عامل بازدارنده درونی یا بیرونی احتمال انجام آن نسبتاً بالاست. آمارهای موجود و برخی مطالعات موردی، حاکی از این واقعیت است که حجم پرونده‌های تخلفات ساختمانی رو به افزایش است (روستا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۲-۱۸۲). بنابه آمار ارائه شده از جانب سازمان نظام مهندسی استان تهران سالانه حدود ۲۰ هزار پروانه ساختمانی در این استان صادر می‌گردد و حداقل ۱۵۰۰ پرونده تخلف به شورای انتظامی ارجاع می‌شود. به طور قطع آمار تخلفات مهندسان و پرونده‌هایی که باید به شورای انتظامی ارجاع شود بسیار فراتر از این میزان است. این آمار فقط ناظر بر تخلفات است و آمار دقیقی از جرایمی که بررسی آنها در صلاحیت دادگاه‌های کیفری است وجود ندارد. از سویی دیگر، به اذعان گزارش کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۹، سالانه قریب به ۱۳۰۰۰ پرونده اعتراض به آراء کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ در باب تخلفات ساختمانی در دیوان عدالت اداری مطرح و چندین برابر نیز در کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری رسیدگی و قطعی گردیده یا به نحوی به مرحله اجرا درآمده که به دیوان عدالت اداری مراجعه نمی‌شود، همچنین حسب اعلام مراجع ذیصلاح قریب به ۲۵۰ هزار رأی قطعی کمیسیون‌های ماده صد درخصوص تخریب و قلع و قمع بنای ساختمانی بر خلاف پروانه یا بدون پروانه در شهرداری‌های سراسر کشور وجود دارد. این آمار روایتگر وسعت جرایم و تخلفات ساختمانی و اهمیت تحقیق در این عرصه است. تلاش‌ها و تحقیقات زیادی جهت شناسایی وضعیت تخلفات ساختمانی، آسیب‌ها و علل و انگیزه‌های وقوع آنها تا کنون صورت پذیرفته است. طبیعتاً نتایج این تحقیقات می‌تواند نقش شگرفی در کاهش و مدیریت صحیح و به هنگام بزه‌های مرتبط با صنعت‌ساخت داشته باشد. لیکن، ریشه‌یابی‌های انجام شده تاکنون بخش کوچکی از کوه یخ علل وقوع جرایم و تخلفات ساختمانی را نمایان نموده و بی‌شک شناسایی همه علل نیازمند تحقیقات گسترده دیگری است.

به هر روی، بر اساس تحقیقات صورت گرفته تا کنون، تصرف غیرقانونی زمین، عدم رعایت قوانین و استانداردهای ساختمانی و ادامه فرآیند طبیعی توسعه، گسترش شهرنشینی، تغییر نیازهای اقتصادی و اجتماعی، نیاز به مسکن و اشتغال، کارآیی ضعیف قوانین، ضمانت اجرایی ضعیف قوانین، سیاست‌های نامتعادل اصلاح زمین‌های شهری، توزیع ناعادلانه ثروت، میزان سواد و فرهنگ افراد، ضعف مدیریتی و نهایتاً وابستگی مالی شهرداری‌ها و حاکمیت به جرمه‌های ناشی از تخلفات از علل گسترش تخلفات ساختمانی شناسایی شده است. من‌حیث‌المجموع و منطبق بر نظر اکثر محققانی که در باب تخلفات ساختمانی شهرهای ایران تحقیق نموده‌اند (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱-۱۸. پژوهان، و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۹-۲۵۲. رحیمی و پناد، ۱۳۹۱. زمانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱-۱۱۸. محمدی و میرزائی، ۱۳۹۴: ۱۹۵-۲۱۴)، علل اقتصادی اولین انگیزه برای بروز تخلفات و جرایم ساختمانی است، زیرا ارزش افزوده حاصل از تفاوت بین جرمه‌های شهرداری با قیمت روز بنای اضافه شده معمولاً قابل مقایسه نیست و هزینه قانون

شکنی کمتر از منافع آن است. در بسیاری از پرونده‌های موجود در کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری‌ها به وضوح اندیشه و برنامه‌ریزی برای قانون شکنی از مراحل برنامه‌ریزی اولیه طرح قابل مشاهده است. بر اساس تحقیقات موجود، علل قانونی را باید دیگر عامل در رونق تخلف ساختمانی دانست. قوانین متعارض و منطبق بر نیازهای حاکمیت و نه نیازها و حقوق جامعه بیش از آنکه بازدارنده باشد نقش محرک در قانون شکنی ایفا می‌کنند. نبود مانعی مقتدر به همراه نظارتی دقیق بر هنجارشکنی‌ها، به نحوی که بتوان به راحتی و با اندک ددقیقه‌ای قوانین موجود را دور زد این پدیده را تشدید می‌نماید. مضافاً، روندهای سختگیرانه و بروکراسی زمان‌بر اخذ مجوز ساختمانی و سند مالکیت از جمله علل روی آوردن و ترجیح مالکین به احداث بنای غیررسمی یا غیر قانونی است. این محققان، برخلاف نظرات پست‌مدرنیسم، معتقدند تخلفات ساختمانی واکنش قابل پیش‌بینی شهروندان به ضوابط ساخت ناسازگار و عدم پاسخگویی مناسب به تقاضاهای مسکن و سایر ساخت‌وسازهای شهری است.

از نظر محققان پیشین (اسمعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷-۲۹)، با توجه به علل ظهور تخلفات و جرایم ساختمانی، چهار عنصر قوانین، برنامه‌ریزی و فرآیند تصویب و نظارت و ارزیابی و نهایتاً آموزش و فرهنگ سازی می‌تواند نقش بسزایی در کاهش تخلفات و جرایم ساختمانی داشته باشد. به هر جهت، تا کنون قوانین و برنامه‌های تدوین شده شهری و توسعه‌ای اگرچه تا حدودی مفید بوده‌است لیکن اثربخشی و کارایی لازم را نداشته‌اند. باید اعتراف نمود در زمان حال، تخلفات ساختمانی به حدی گسترده شده است که اقدامات پیشگیرانه برای رسیدن به آرمان‌های عالی صنعت‌ساخت، پاسخگویی مشکلات موجود نیست و باید تمهیداتی در جهت تیمار بدنه بیمار ساخت و سازهای شهری و برون شهری در نظر گرفته شود.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی بنا نهاده شده است. برای ریشه‌یابی علل وقوع جرایم و تخلفات ساختمانی به صورت مصاحبه باز فقط یک پرسش از تعداد ۴۱ مهندس فعال در حوزه‌های ساخت پرسیده شد و به مخاطب اجازه داده شد تا هر نظر مرتبطی دارد ارائه نماید. پرواضح است این پاسخ‌ها به مصاحبه کننده خارج از سازمان به راحتی داده نمی‌شود زیرا عموم افراد اگرچه بعضاً اعتقاد راسخی دارند که جرمی حادث نشده در نهان خود نگرانی از توییح و مواخذه شدن را نیز دارند که سبب می‌شود یک محقق خارجی نتواند به راحتی از منظر جامعه‌شناسی پاسخ مطلوب را به دست آورد. در نهایت پاسخ‌های پرتکرار و شاخص با قضاوت محققان در باب این که چرا مهندسان مرتکب تخلف و جرایم می‌شوند؟ طبقه‌بندی گردید و تلاش شد تا پاسخ‌های داده شده از منظر نظریه‌های مشهور جامعه‌شناسی جنایی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

بر اساس مطالعات انجام شده در موضوع جرایم مهندسان در صنعت ساخت آن هم از دریچه جامعه شناسی جنایی تحقیق خاصی صورت پذیرفته است. این مقاله مسئله محور است زیرا اولاً به دنبال چرایی

وقوع جرم در یک صنعت خاص است و فقط قشر مهندسی را مورد مطالعه قرار داده است و ثانیاً صرفاً از منظر جامعه‌شناختی کیفری به موضوع پرداخته است که چارچوب دقیق تحقیق را مشخص می‌کند.

۳. ریشه‌یابی علل بروز تخلفات و جرایم مهندسی از منظر جامعه‌شناسی جنایی

علوم جنایی (جزایی یا کیفری) علمی است که هر یک از زوایای خاص جرم و انگاره‌های مرتبط با آن را بررسی می‌کند. نگاه علت‌شناسانه در علوم جنایی با اندیشه‌های "سزار لمبرزو" متولد شد که سنگ بنایی برای ظهور شاخه‌های نوینی در علوم جنایی و جامعه‌شناسی جنایی بود. در یک تقسیم‌بندی کلی، علوم جنایی به سه دسته علوم جنایی حقوقی، پیراحقوقی و تلفیقی تقسیم می‌شود. جامعه‌شناسی جنایی، شاخه‌ای از علوم جنایی پیراحقوقی تفسیری و همچنین شاخه‌ای از جرم‌شناسی تخصصی به حساب می‌آید، که تمرکز اصلی آن بر علت‌شناسی بزهکار شدن فرد در بستر محیط است. به بیانی دقیق‌تر، جامعه‌شناسی جنایی مطالعه محیط و تأثیر آن بر افراد در راستای ارتکاب جرم، تحلیل داده‌ها و نظریه‌پردازی است (نیازپور، ۱۴۰۰: ۱۸).

از آنجا که تحقیق حاضر معطوف به تحلیل محیط پیرامونی مهندسان از زمان ورود به رشته مهندسی و عمدتاً ناظر به محیط کاری آنان است که به صورت اتفاقی، انتخابی و یا تحمیلی در آن قرار گرفته‌اند، باید اذعان نمود، محیط پیرامونی عموم مهندسان به واسطه طبیعت کاری آنان، محیطی خشن، پرتنش، دستوری، تیمی و تا حدودی مستبدمحور است. عموم پروژه‌های کلان نظیر جاده‌ها، سدها، پالایشگاه‌ها، سکوهای نفتی در محیطی خارج از شهر قرار داشته و شاید مهندسان تا روزها با محیط شهری ارتباط مستقیم نداشته باشند. ناگفته پیداست، محیط پیرامون مهندسان نیز با محیطی که شهروندان عادی در آن قرار دارند قابل مقایسه نیست. همچنین، اگرچه فضای داخلی کارگاه‌های شهری به واسطه تعامل دست‌اندرکاران آن با محیط لطیف‌تر شهری وضعیت بهتری دارد، لیکن، خصیصه‌های خاص محیط مهندسی را حفظ نموده است. این محیط‌ها و مخصوصاً محیط‌های که با شهرها و عموم جامعه در ارتباط نیستند نوعی فشار روانی را بر فعالان این پروژه‌ها تحمیل می‌نماید که می‌تواند منجر به جرایمی خاصی شود که از بحث مورد مطالعه این نوشتار خارج است.

در ادامه با توجه به پاسخ‌هایی که در باب علل وقوع بزه در صنعت‌ساخت توسط مهندسان درگیر در پروژه‌های صنعت‌ساخت ارائه شده است، تحلیل‌های متناسب با پاسخ‌های دریافتی از مصاحبه‌شوندگان از منظر جامعه‌شناسی جنایی آورده شده است.

۱-۳- نظریه‌های اقتصاد محور

کارل مارکس بر خلاف داروین و لمبرزو معتقد بود جرم یک پدیده فردی نیست، بلکه یک واقعیت اجتماعی - اقتصادی است. امروزه بسیاری از نظریه‌های نوین ریشه در اندیشه‌های مارکس دارند و بسیاری از

محققان عصر حاضر به نحوی اندیشه‌های مارکس را تأیید می‌نمایند و بسیاری از تحقیقات روز در شناسایی عوامل جرم‌زا در صنعت‌ساخت نهایتاً به تکرار گفته‌های مارکس می‌انجامد. مارکس اساساً به تمام مناسبت‌های اجتماعی از منظر اقتصاد می‌نگریست و منظومه فکری او بر پایه اقتصاد بنا نهاده شده بود. به اعتقاد وی و پیروان او، عموم کارکردهای اجتماعی بشری برای تداوم مناسبت‌های اقتصادی است و جرم ریشه در عوامل اقتصادی نظیر نابرابری درآمدی، نرخ بیکاری، تضاد طبقاتی، محرومیت، فقر و نرخ تورم دارد (نوغایی و همکاران، ۱۳۹۴:۸۵-۱۰۲). تلاش برای بقای اقتصادی برای مهندسان فاقد سرمایه، و آمال صاحب سرمایه برای سود بیشتر پرتکرارترین پاسخ مهندسان در رابطه با علت وقوع جرم در صنعت‌ساخت بود. جالب آن است که بسیاری از مهندسان که سمت‌های کارمندگونه و استخدامی دائم یا موقت داشتند، عنوان نمودند، که تنها به میزانی حقوق می‌گیرند که بتوانند حداقل‌های خود و خانواده را برآورده نمایند، بدون آنکه پس‌اندازی داشته باشند یا همانند کارفرمایان خود چند روزی تفریح نمایند.

از دیگر پاسخ‌ها در رابطه با علل وقوع جرم این است که هر مهندسی به نحوی از انجا میزان آورده کارفرما را محاسبه و با توجه به قیمت محصول نهایی میزان سود کارفرما که بعضاً چندین برابر آورده شده‌است را محاسبه می‌کند. بر اساس نظریه ارزش افزوده مارکس پیداست که مهندسان در این محاسبه‌گری، بی‌عدالتی را احساس می‌کنند و عقلا نیست که خود را در سود حاصل از کار خود سهیم بدانند. از آنجا که اصولاً و به ندرت کارمندان و کارگران در سود سهیم هستند، این افراد با این اندیشه که حق‌گرفتنی است و اینکه کارفرما هرگز حق واقعی آنان را نخواهد داد، زمینه‌تکون جرم در ذهن خود را شکل می‌دهند.

در نظام فکری مارکس کارگر یا آنان که در تولید سهیم هستند باید در منافع و سود تولید نیز سهیم باشند، و تمام منافع نباید در اختیار صاحب سرمایه قرار گیرد. مهندسانی که صاحب سرمایه نیستند در واقع نیروی کار و تولید هستند، که بر سرمایه و سود کارفرمای خود می‌افزایند و عموماً، خود را صاحب اصلی تولید می‌دانند. در حالی که شاید با حقوق یک سال خدمات خود نتوانند حتی یک متر از محصولی که خود تولید نموده‌اند خریداری نمایند. بر همین مبنا، احتمالاً این اندیشه برای هر مهندسی شکل می‌گیرد که بدون او کارفرما هرگز توان دریافت سودی این‌چنینی نداشت و وی قربانی جرم بهره‌کشی اقتصادی صاحب سرمایه است. همین اندیشه عرصه‌ای برای ایجاد تضاد، شکاف ناعادلانه و ظهور جرم در اشکالی نظیر انتقام جویی خواهد بود. از گفتمان مارکس اینگونه بر می‌آید که، جرایم در صنعت‌ساخت حاصل یک اعتراض قابل پیش‌بینی به تضاد میان طبقه کارگر (مهندسان) و کارفرماست که ریشه در بی‌عدالتی اقتصادی ناشی از استعمار نیروی کار دارد.

اگرچه علت شناسی جرم از منظر مارکس خالی از اشکال نیست ولی به میزان قابل توجهی مورد پذیرش محققان در عرصه صنعت‌ساخت قرار گرفته است. به هر جهت ایجاد تعادل اقتصادی و توجه به

ارزش کاری مهندسان و ایجاد یک نظام عادلانه پرداخت می‌تواند نقش بسزایی در کاهش جرم در صنعت‌ساخت داشته باشد.

شواهد حاکی از این واقعیت است که صاحب‌سرمایه در وقوع جرایم ساختمانی نقش برجسته‌تری نسبت به سایر افراد دارد. اما چرا مهندسان صاحب‌سرمایه یا در اصطلاح جرم‌شناسی برخی یقه سفیدها که افرادی کاملاً بهنجار، تحصیلکرده و هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی به نظر می‌رسند، برغم داشتن تمکن مالی و جایگاه اجتماعی محترمانه مرتکب جرم می‌شوند؟ ادوین ساترلند معتقد بود که جرم مخصوصاً اقتشار پایین جامعه و ندارها نیست اقتشار توانمند اگرچه در مضعه مالی نیستند. لیکن، بیشتر جرایم آنان از جرایم اقتصادی، جعل و فرارهای مالیاتی است. مجرمان کم‌توان جرایم کوچک برای سودآوری فوری را به دفعات انجام می‌دهند و آثار آن کوچک، مقطعی و قابل جبران است، در حالی که یقه سفیدها از نظر عددی کمتر مرتکب جرم می‌شوند و عموماً مرتکب جرایم دارای مظاهر اقتصادی کلان و بعضاً غیرقابل جبران می‌شوند (قورچی بیگی، ۱۳۹۸: ۲۱۷-۲۳۸). بر مبنای همین استدلال می‌توان دریافت، فجایع بزرگ ساختمانی نیز تا اندازه قابل توجهی در پیوند با خواست‌های مجرمانه صاحب‌سرمایه است. به نظر می‌آید این یقه‌سفیدها هستند که یقه آبی‌ها و افراد عادی جامعه را برای ارتکاب جرم ترقیب و تشویق می‌نمایند مضافاً، دور زدن قانون و نادیده گرفتن ضوابط مهندسی بیش از هر شخصی صاحب‌سرمایه را منتفع می‌سازد و در عموم موارد از جانب او برای کسب سود بیشتر پیشنهاد می‌گردد. برای مثال، صاحب‌سرمایه با رانت و نفوذ خود رفتارهایی انجام می‌دهند که از عهده یک فرد عادی خارج است. مانند آنکه برای ساختمانی که ۶ طبقه مجوز ساخت دارد در مرحله‌های پایانی ساخت اسکلت، مجوز ۵ طبقه مازاد می‌گیرند بدون آنکه ضوابط فنی و مهندسی چنین اجازه‌ای به آنان دهد. جالب‌تر آنکه یقه سفیدها که دارای وجهه اجتماعی خوبی هستند می‌توانند دستگاه‌های نظارتی و شهرداری‌ها را به راحتی در این فرآیند با خود همراه سازند. فاجعه متروپل آبادان را می‌توان شاهدی بر این ادعا دانست.^۱

۲-۳- نظریه‌های معاشرت‌های ترجیحی

ارتکاب جرم در دنیای مهندسی نیازمند هوش، هنر و علم است زیرا کوچک‌ترین اشتباه مخصوصاً در محیطی که ممکن است مرتکب ماه‌ها در آن حضور داشته باشد، بزهکار را از رسیدن به هدف خود باز می‌دارد و عواقب سنگینی برای وی دارد. هوش مجرم در کنار تجربه و آموخته‌های پیشین او در ارتکاب جرم و سرپوش گذاشتن بر آن نقش بسزایی در کشف نشدن این جرایم دارد. مصنوعات مهندسی ملموس و قابل رویت است و افراد مختلفی از شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی و نظارتی آنان را به صورت

^۱ متروپل ساختمانی تجاری در آبادان بود که در خرداد ۱۴۰۱ به یکباره قبل از بهره‌برداری کامل فروریخت. به اذعان استاندار وقت این ساختمان برای ۶ طبقه طراحی شده بود اما بعدها به واسطه نفوذ مالک آن موفق به دریافت مجوز ساخت برای ۵ طبقه مازاد شد.

مستمر کنترل و در چند مرحله بر آن نظارت می‌نمایند. برای نمونه در برخی پروژه‌ها یک صورتجلسه از احجام کاری که مبنای صورت وضعیت پیمانکار است، بدو در دستگاه نظارتی و پس از آن در نهاد مدیریت طرح و نهایتاً توسط کارفرما بررسی می‌شود. حال شخصی که می‌خواهد در احجام کاری دستکاری کند یا سندسازی نماید، باید انقدر جرم را تمیز انجام دهد که در هیچ یک از مراحل کنترلی صورتجلسه عودت نگردد. اما این امر یک هنر و توانایی ذاتی نیست بلکه هنری است که فرد در برخوردهای مستقیم و غیر مستقیم در موارد مشابه آموخته و با تجربه کرده است.

ادوین ساترلند بر اساس نظریه معاشرت‌های ترجیحی خود عنوان نمود که جرم جنبه ذاتی نداشته و باید ریشه آن را در محیط جستجو نمود. به اعتقاد ساترلند فرد توانایی آموزش دیدن دارد و به همین واسطه استعداد تأثیر پذیری از یک الگوی خاص را داراست. این نظر بر این دیدگاه استوار است که فرد در تعامل با محیط بزهکاری را فرا می‌گیرد. بنابراین چنانچه فرد دارای پتانسیل بزهکاری، در یک فضای کاری خاص قرار گیرد که از نظر کمی، زمان تعامل کافی و از نظر کیفی پیوستگی عاطفی و صمیمیت لازم را برقرار کند، به گروه تعلق خاطر پیدا می‌کند، این پیوستگی و پذیرش اندیشه‌های گروهی سبب می‌شود فرد به اهداف گروه علاقمند و چه بسا پایبند گردد و بزه، نحوه ارتکاب و فنون و شیوه‌های انجام جرم را فراگیرد (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۹۱: ۵۴). در برخی فضاهای مهندسی جهت گیری خاصی نسبت به قانون وجود دارد و آن را ناعادلانه می‌دانند، همین تفکر به نسل بعدی نیز آموزش داده می‌شود، طبیعتاً همین خوانش از قانون در شخص به مرور زمان نهادینه می‌شود. فرد نیز چنانچه در نهان خود اولویت‌های محیطی را بر دیگر مؤلفه‌های اجتماعی برتری دهد، احتمال شکل‌گیری شخصی قانون ستیز و با پتانسیل بالایی برای ارتکاب جرم وجود دارد.

مهندس جوانی که وارد فضای جدی کار می‌شود از همان بدو ورود متوجه موانع زیادی برای پیشرفت و دستیابی به اهداف خود و پروژه می‌شود. او از رفتار افراد با سابقه‌تر متوجه می‌شود قبل از آنکه مهندس ناظر از قلوبه کن شدن سازه بتنی به علت کیفیت بد بتن یا اجرای غیر اصولی آن، مطلع شود باید محل المان سازه‌ای مورد نظر را سریعاً با ملات پوشش داد تا کسی متوجه نشود و به عبارت بهتر آثاری که ممکن است بعدها دردسر ساز گردد را فوراً محو یا ترمیم نماید. یا چنانچه در دفتر فنی شرکت مهندسی در محل کارگاه ساختمانی فعالیت نماید، آموخته است که، شخصی که مسئول کنترل صورتجلسات پیمانکاران است با این پیش تفکر موضوعی را بررسی می‌کند که پیمانکار می‌خواهد او را فریب دهد و پیمانکار هم می‌داند که منطق حاکم شده همین است که اگر صداقت پیشه کند قطعاً زمین گیر خواهد شد، لذا، سعی می‌کند حداقل مقدار مازادی در صورتجلسه خود قید نماید تا افراد مسئول کنترل بتوانند مقداری از احجام کسر نمایند تا وجدانشان آرام باشد. در حقیقت فرهنگ حاکم در صنعت ساخت تا حدودی صداقت بیش از اندازه را نمی‌پذیرد و اساساً از دستگاه‌های کنترل کننده انتظار می‌رود در برابر خواست‌های پیمانکار چه به حق و چه ناحق مقاومت نشان دهند. لذا مشاهده می‌شود این صنعت بعضاً وقوع جرم را طلب می‌کند بدین

معنا که بدون یاری جستن از رفتارهای بزهکارانه و کار کاملاً صادقانه مهندسان را به اهداف و حقوق قانونی خود نمی‌رساند و باید اذعان نمود پیش‌فرض برای خیل عظیمی از مهندسان نیز همین است. مضافاً، پیش‌بینی شیوه‌های کنترلی مضاعف و چند لایه‌ای توسط دست‌اندرکاران این صنعت با هزینه‌های گزاف، به نوعی مبین صحت همین نظر است و گرنه یک مرحله کنترل آنهم صرفاً برای اصلاح خطاهای غیر عمد انسانی لازم و کافی است و توجیه قابل قبول دیگری مگر بدبینی‌های نهادینه شده در طرف‌های مقابل پیمانکاران و مهندسان را ندارد.

آموختن جرم، یا به عبارت بهتر درک نیاز به رفتار مجرمانه و شیوه‌های انجام آن در دنیای مهندسی به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم است. در حالت اول ارتکاب جرم از جانب مقام بالا در فضای همکاری دوستانه یا دستوری از مهندس زبردست خواسته یا تحمیل می‌شود و به صراحت بیان می‌شود که مثلاً به جای فلان المان سازه‌ای از پروفیل سبک‌تر از آنچه در نقشه‌ها قید گردیده استفاده شود یا امضای مهندس ناظر پیشین که در کارگاه دیگر حضور ندارد جعل گردد. در این فرآیند ممکن است که مقام ارشد چون معلمی دلسوز توجیحات خود را به مهندس جوان آموزش دهد و وی را متقاعد نماید که ارتکاب این رفتار کاملاً صحیح است.^۱ در حالت دوم مهندس خود در گذر زمان این تجربه را کسب می‌کند که انجام برخی امور بدون ارتکاب تخلف یا جرم امکان پذیر نیست. باید عنوان نمود فرآیند یادگیری جرم ترکیبی از آموزش‌های بیرونی و تجربیات شخصی است که یک شخصیت منسجم با میل به ارتکاب جرم را شکل می‌دهد.

۳-۳- نظریه‌های فشار

آمال و آرزوها از یک سو و نبود وسایل و ابزار برای دست یابی قانونی به آنها از زمینه‌های وقوع جرم است. رابرت مرتون و سایر نظریه پردازان نظریه‌های فشار معتقد بودند فشار وارده بر افراد موجب ارتکاب جرم است (ابتکاری و احمدی، ۱۳۹۸: ۱-۲۲). البته در اینکه این فشار از جنس اقتصادی یا خشم، ترس، افسردگی، منزلت اجتماعی و سایر موارد است، نظریات افتراقی دیگری از نظریه فشار ابتدایی پدیدار شده‌اند. به هر جهت، فشار اقتصادی در نظریه فشار مرتون جلوه بیشتری در دنیای مهندسی دارد. به اعتقاد مرتون جوامع منسجم، بین ساختار اجتماعی (وسیله‌های اجتماعی تأیید شده) و فرهنگ (آرمان‌های تعیین شده) توازن برقرار می‌نماید. بی‌هنجاری، نوعی عدم انسجام جامعه است که بر اثر انفکاک بین اهداف فرهنگی ارزش داده شده و وسیله‌های اجتماعی مشروع برای نیل به آن اهداف ایجاد می‌شود (کریستین و آگرز، ۱۳۹۰: ۱۰۵-۱۴۷).

^۱ این بیان در قالب نظریه فنون خنثی سازی نیز قابل تحلیل است. نیاز به توضیح نیست که فنون خنثی سازی نیز قابلیت آموزش دارد.

ظاهر آن است که نظریه فشار مرتون، با نظریه اقتصاد محور مارکس پیوند ملموسی دارد. زمانی که یک مهندس ادعان می‌کند که من برای بدست آوردن این تخصص در برترین دانشگاه‌های فنی و مهندسی درس خوانده‌ام و چند برابر یک وکیل یا دلال و تاجر تلاش کرده‌ام و نتوانسته‌ام به خواسته‌های مالی و آرزوهایم دست یابم، به این نتیجه میرسد که رشته مهندسی ابزار مناسبی برای رسیدن به اهداف او نیست. همین اندیشه به خوبی در بی فروغ شدن میل به انتخاب رشته‌های مهندسی به عنوان اولین رشته مورد تقاضای جامعه تا کم متقاضی‌ترین آن در ۱۵ سال گذشته قابل اثبات است. توضیح آنکه زمانی این تصور وجود داشت که رشته مهندسی بهترین ابزار برای کسب درآمد و کسب جایگاه اجتماعی است اما به مرور زمان این وهم از اذهان زدوده شد به نحوی که کارشناسان از هم اکنون بحران فقدان مهندس در کشور را برای سال‌های آتی پیش بینی می‌نمایند. حال که کشف شده هنر مهندسی برای بسیاری از مهندسان نمی‌تواند شیوه رسیدن به هدف‌های متعارف باشد لاجرم ابزارهای غیرقانونی و ارتکاب جرم شیوه‌ای مکمل برای نیل به آرزوهای فردی خواهد بود.

قابلیت تعمیم‌پذیری نظریه‌های فشار از پاسخ‌های دریافتی از مصاحبه شدگان با بیان عبارتی نظیر ما تحت فشار اقتصادی شدیدی هستیم و لایق حقوق و درآمد و امکانات متناسب با کارمان می‌باشیم. یا ما با یک وکیل و پزشک باید زندگی برابری داشته باشیم قابل درک است.^۱ به عبارت دیگر، این گونه بیان‌ها دقیقاً ترجمان یکی از شاخه‌های نظریه فشار یعنی نظریه اهداف و نابرابری فرصت‌هاست. از منظر پیروان نظریه فشار، علت این پدیده و ناعدالتی ساختار اجتماعی موجود است که اثرگذاری قابل توجهی در وقوع جرم دارد. بر همین مبنا اظهار شده است اهداف مالی و مادی و سایر اهداف و جایگاه‌های اجتماعی و مشروع باید در شرایط عادی در مجرای قانونی و برابر برای همگان وجود داشته باشد تا مهندسان به مانند سایر افراد جامعه بتوانند به آنها دست یابند. بر اساس نظریه فشار مرتون مهندسان مجرم را باید نوآورانی دانست که اهداف جامعه را قبول دارند ولی از آنجا که طرق مشروع رسیدن به این اهداف برای آنان موجود نیست از راه‌های نامشروع سعی در رسیدن به اهداف خود می‌نمایند.

۴-۳- نظریه‌های خرد محور

مهندسان افراد حسابگر و در رفتارهای خود تابع قواعد عقلانی مبتنی بر ارزیابی دقیق از ماهیت و نتایج حاصل از رفتار خود هستند. عموم مهندسانی که مرتکب جرم می‌شوند به قبح جرم آگاه هستند و به خوبی می‌دانند که چرا مرتکب جرم می‌شوند و با یک تفکر عمیق و نظام‌مند بالعکس مجرمان عادی مناسب‌ترین، دقیق‌ترین و تمیزترین شیوه‌های ممکن برای ارتکاب جرم را برمی‌گزینند. اما این عقلانیت مهندسان بعضاً نابغه، از جایی به بعد با هنجارهای عمومی جامعه در تقابل قرار می‌گیرد. و از آنجاست که زمینه تکوین جرم شکل می‌گیرد.

^۱ البته این پاسخ در قالب نظریه برابری آدامز نیز قابل واکاوی است.

مجرمان آگاه به ویژه مجرمان نخبه جامعه بر خلاف تصورات مطرود گذشته افراد مجبور، مطرود و منفعلی نیستند بلکه در تقابل با این اندیشه افرادی، انتخابگر، حسابگر، اجتماعی و فعال هستند، که شیوه مجرمانه برای اهداف اقتصادی و غیر اقتصادی مجرمانه خود انتخاب نموده‌اند. مهندسان در رفتار مجرمانه خود دو دیدگاه دارند دیدگاه اول آن است که بین منافع و مضرات جرم سبک سنگین می‌کنند و با پذیرش عواقب احتمالی جرم در یک تصمیم استراتژیک مرتکب جرم می‌شوند. در اندیشه دوم، مهندس رفتار خود را جرم نمی‌داند و اتفاقاً آن را امری مشروع و پسندیده می‌پندارد و برای آن استدلالی ظاهراً منطقی دارد. در هر دو گونه رفتاری بزهکاران از قواعد مشابه با قواعد مربوط به رفتارهای اجتماعی متعارف تبعیت می‌کنند.

در نظریه‌های خردمحور نظریه ارائه شده توسط "دیوید ماترا" تحت عنوان فنون خنثی‌سازی یا درون فهمی کج رفتاری در جرایم مهندسی جایگاه بسیار بالایی دارد و به جرأت می‌توان گفت اکثر پاسخ‌های دریافتی در مصاحبه‌ها همراه با یک توجیه ظاهراً عقلانی و چه بسا انسان دوستانه همراه بود. بنای نظریه فنون خنثی‌سازی مبتنی بر این نظر است که فراگیری بزهکاری، ملازمه با یادگیری شیوه‌های خنثی‌سازی کنترل اجتماعی درونی و بیرونی دارد. بزهکار می‌تواند هنجارهای اجتماعی را نقض کند در عین اینکه به آنها اعتقاد داشته و برای ارزش‌های اجتماعی اعتبار قائل است، هنجارشکنی خاصی را برای خود بی‌اعتبار جلوه داده و دور بزند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸۵-۱۱۲). فنون خنثی‌سازی بیانگر ۵ فن توجیهی انکار مسئولیت، انکار خسارت، انکار بزه‌دیده و محکوم کردن نهادهای اجرایی عدالت‌گیری یا وضع‌کننده قوانین و نهایتاً وفاداری به گروه، تیم یا هم‌قطاران است.

جالب آن است که تعداد زیادی از مهندسان از جرمی که انجام می‌دهند کوچک‌ترین بهره‌ای برای خود نمی‌خواهند و همین اندازه که وفاداری خود را به سازمان تابعه خود اثبات نمایند ولو آنکه مدیر آنها یا صاحبان شرکت هرگز متوجه خوش خدمتی او نشوند برای او کافی است. عده‌ای نیز خود را در مقابل همکاران، کارگران و تمام پرسنل شرکت مهندسی مسئول می‌دانند و به این باور رسیده‌اند که در دنیای مهندسی نقش «رابین هود» را دارند.

مطالعه پاسخ‌هایی که از جانب مصاحبه‌شوندگان ارائه شد برای آشنایی با ساختار ذهنی مهندسان مفید است. اگرچه این تحقیق صرفاً از تک بعد جامعه‌شناسی جنایی علل وقوع جرایم مهندسی را واکاوی می‌نماید، پاسخ‌های ارائه شده از منظر سایر علوم جنایی و ریشه‌یابی جرم قابل تحلیل و بررسی است. برگزیده‌ای از این پاسخ‌ها که با اندک دخل و تصرف و همراه با تجمیع پاسخ‌های مشابه است به قرار زیر می‌باشد همه این پاسخ‌ها به نحوی با نظریه فنون خنثی‌سازی قابل توجیه است بدیهی است که این بیان‌ها با سایر نظریات جامعه‌شناسی به ویژه نظریات اقتصاد محور و نظریه معاشرت‌های ترجیحی نیز قابلیت واکاوی دارد:

۱. شرکت ما برای چند صد خانوار ایجاد اشتغال کرده و درآمدزایی می‌نماید. برای این کارگران باید پول تهیه کرد. ما در برابر این قشر مسئولیم.

۲. شرکت ما ممکن است ماه‌ها بیکار باشد. هزینه‌های کمر شکن بیمه و مالیات با تمام وجودی که می‌دانیم دولت هیچگاه از ما حمایت نکرده و نخواهد کرد، را می‌پردازیم. ما در ایام بیکاری بدون کوچکترین چشم داشتی نیروهای خود را حفظ می‌کنیم. برای روز مبادا باید پس‌انداز داشته باشیم. این مبلغ را از خود دولت می‌گیریم.
۳. جبر زمانه سبب می‌شود در برابر کارفرما قدرت چانه زنی نداشته باشیم! همه می‌دانند خدماتی که ما ارائه می‌دهیم ارزشی فراتر از مبلغ قراردادمان دارد. کسی که حقوق مردم را نمی‌دهد و سود حاصل از کار دیگران را می‌خورد و از استیصال دیگران سوءاستفاده می‌کند باید عواقب تصمیمات خود را بپذیرد.
۴. همه می‌دانند مناقصه و قیمت پیشنهادی در آن ضررده است! ما روی تخلفات و ادعاهای بعدی حساب باز کرده‌ایم. کارفرما هم بعد از این همه سال این موضوع را به خوبی می‌داند.
۵. این همه ساختمان با خلاfi ساخته شده چه کسی فهمیده؟ و حالا چه اتفاقی افتاده است؟ کسی هم فهمید پول حلس می‌کند!
۶. پیمانکاران بهشت نمی‌روند! کسی که روحیه اش را ندارد جایش اینجا نیست یا با فلاکت خود کنار آید.
۷. پول دولت است هم من راضیم و هم کارفرما!
۸. اینهایی که در دانشگاه درس داده می‌شود چرند است! یک عمر کار کردم و میفهمم که این چیزی که محاسب طراحی کرده زیادی است! چرا پول و سرمایه این کشور را دور بریزیم؟
۹. قطعاً کارهایی که ما می‌کنیم، هیچ خسارتی برای جامعه ندارد!
۱۰. ما برای جبران زحمات و مردانگی مدیرانمان باید در حد توان و به هر قیمتی آنها را کمک کنیم. نباید نمک‌نشناس باشیم! خاطر من هست کارفرما که پول ما را بالا کشید مدیران خانه اش را فروخت و طلب کارگران را داد!
۱۱. ما رابین هود هستیم! از پولدارها و دولت می‌گیریم و به قشر ضعیف و زحمتکش می‌دهیم. زنده و مرده این مردم برای دولت و پولدارها فرقی ندارد. از دولت و پولدارها هرچقدر ببری، حلال است! دولت به اندازه کافی ما را چاپیده.
۱۲. این پروژه مبنایش جرم و پولشویی است. انتظار داری ما درستکار باشیم؟
۱۳. گر حکم شود که مست گیرند، در شهر هر آنکه هست گیرند! همه می‌خورند ما هم بخوریم! سفره پهن است نخوری از کفت رفته!
۱۴. به زندگی فلانی نگاه کن! ماهی حداکثر ۱۰ میلیون می‌گیرد هم خانه دارد هم ماشین آنچنانی! فکر میکنی با این حقوق می‌شود چنین کرد؟ همه واقعیت را می‌دانیم.
۱۵. در اینجا برای ما ارزشی قائل نیستند من هم برای کارشان ارزشی قائل نیستم.

۱۶. هزینه خوش خدمتی ما را چه کسی می‌دهد؟ هیچکس! قرار هم نیست کسی بدهد! یا اندازه‌های که پول می‌گیریم کار می‌کنیم یا هزینه کار مازادمان را خودمان از طرق دیگر می‌گیریم.^۱
۱۷. قوانین و ضابطه‌های موجود همگی به نفع کارفرما است خود قانون برای ما حقی قائل نشده! قانونی که برای ما ارزشی قائل نباشد نباید از ما انتظاری داشته باشد! قوانین فعلی جرم زاست. چرا باید به قانونی که به ما احترام نمی‌گذارد، احترام بگذاریم.
۱۸. دولت شاخص‌های غیر واقعی ارائه می‌کند شاخص‌هایی که از حداقل‌ها پایین‌تر هستند. دولت خوب بلد است پیمانکاران را نقره داغ کند.

۵-۳- نظریه‌های انتقادی

بر خلاف نظریه‌های کلاسیک و متعارف جامعه‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی انتقادی، بر مبنای اثر مسائل ساختاری در سطح جامعه بر بزهکار شدن افراد شکل گرفته است. در دیدگاه انتقادی این خود قانون و هنجارهای حاکم بر جامعه است که مورد نقد می‌باشد. بالعکس دیدگاه‌های پیشین که پیش فرض نظریه پردازان بر کامل و عادلانه بودن قوانین بود، این تلنگر بر قانون‌گذاری وارد شد که آیا واقعاً قانون بی نقص است؟ آیا باید جرم‌انگاری‌های قانون را اصلی‌ترین معیار حاکم بر ارزیابی رفتار انسان‌ها دانست؟ آیا این قانون با خواست عموم جامعه در تناقض نیست؟ آیا قانون خود مسبب زایش جرم و مولد مجرم و اندیشه مجرمانه در جامعه نیست؟ آیا قانون شکنی تنها شیوه رسیدن به خواسته‌های مشروع نمی‌باشد؟ آیا ریشه جرم در ساختار اجتماعی نهفته نیست؟ آیا سیاست‌گذاری‌ها و نوع مدیریت‌ها نیروی محرکه بزهکاری نیست؟ به اعتقاد نظریه پردازان انتقادی، پیروی بی چون و چرا از قانون یک سوء تفاهم بزرگ در نظام حکمرانی است، در حالی که یکی از اصول حاکمیت قانون این است که به محض اینکه خود قانون در تعارض با حقوق مردم قرار گرفت باید هم نوا با نیاز و خواست مردم تغییر کند نه آنکه مردم تابع آن قانون باشند. امروزه حتی افرادی که مبلغ و تصویب کننده برخی قوانین هستند خود از پیشگامان نقض آن قوانین به حساب می‌آیند زیرا با نیازهای طبیعی و قانونی آن‌ها و جامعه در تناقض است.

پیروان نظریه‌های انتقادی، استقلال و بی‌طرفی حقوق را به نقد گرفته و باطن هرگونه استدلالی را در حقوق سیاسی جستجو می‌کنند. آنان معتقدند، حقوق رشته‌ای مجزا و مجموعه‌ای معین از قوانین و مقررات ثابت و قطعی نیست؛ بلکه، ترکیبی غیرقطعی، مبهم و ناپایدار از قواعدی است که به بسط و بازتولید قدرت

^۱ این پاسخ با نظریه برابری آدامز قابل انطباق است. نظریه برابری به این واقعیت اشاره دارد که انگیزه انسان تا حد زیادی، به آنچه او عادلانه می‌داند بستگی داشته و با درک او از عدالت (برابری) که توسط مدیریت اعمال می‌شود، ارتباط دارد. در یک سازمان، این نظریه در مورد مزد کارمند و تلاش‌های او در به حداقل رساندن نابرابری فرض شده است. او به دنبال این است که میزان تلاشی که انجام می‌دهد با دستمزد دریافتی متناسب باشد.

سیاسی و اقتصادی موجود و نه انعکاس عقلانیت و عدالت می پردازد (رستمی تهریزی و محتشمی، ۱۳۹۲: ۵۹-۱۰۳).

در پستوی دنیای مهندسی بسیاری از هنجارهای قانونی بی اعتبار و ظالمانه است و این امر هم در اثر آموزش و هم در اثر تجربه مهندسان از ناکارآمدی و بی عدالتی قوانین موجود، درک گردیده. به اعتقاد دورکیم، زمانی که قیدوبندهای هنجار، که بر درستی و نادرستی در جامعه تأکید دارند، شکسته شوند، در چنین شرایطی مجموعه مشترکی از ارزش‌ها فرو می‌ریزد و ساختارهای اجتماعی به شدت آسیب پذیر می‌گردد و این شرایط بستری برای نابهنجاری خواهد بود (تامسون، ۱۳۹۷: ۱۶). قانونی که در تضاد با عقلانیت بوده و ترجیح منافع یک گروه بر گروه دیگر است به راحتی شکسته می‌شود.

واقعیت آن است که قوانین فعلی موجود مربوط به امور مهندسی همانند شرایط عمومی پیمان در پروژه‌های عمرانی جرم‌زا هستند. با وجود آن که عموم شرایط و قوانین همسانی که برای پروژه‌های عمرانی به مهندسان و به ویژه پیمانکاران به عنوان شرایط آمره قراردادی تحمیل می‌گردد از کشورهای غربی اقتباس شده است و در نسخه خارجی آن شرایط متعادل برای پیمانکار و کارفرما دیده شده، در فرآیند بومی‌سازی آن منافع دولت و کارفرما محوریت یافته و به جز محدود مواردی منفعت پیمانکار نادیده گرفته شده است. برای مثال پیمانکار مگر در موارد بسیار نادر و حتی اگر پروژه برای وی ضررده باشد حق فسخ قرارداد را ندارد و به‌سان آنچه در قانون مدنی آمده است، اجبار و الزام به ایفای تعهد می‌شود. چگونه انتظار می‌رود کسی پروژه‌ای زبان‌بار را با پول خود و بدون سود انجام دهد؟ حال اگر کارفرمای وی خشک و انعطاف ناپذیر باشد و اصطلاحاً در تمام امور به واسطه اختیاراتی که مقنن به وی داده متنه به خشخاش بگذارد، انتظار پاکدستی و صداقت وهمی بیش نخواهد بود. از طرفی نظام سیاسی و اقتصادی فعلی کشور غیرقابل پیش بینی و کاملاً هیجانی است. دولت هم در پاره‌ای موارد به عللی مشخص، هیچ علاقه‌ای به تعدیل قراردادها ندارد.

به هر جهت نظریه‌های انتقادی طیف گسترده‌ای از عوامل جرم را ذکر می‌کنند لیکن، نظریه فرانک بنتام، با عنوان نظریه برچسب زنی، جلوه‌ای کاربردی‌تر در دنیای مهندسی دارد. در این نظریه فرد در تعامل با جامعه خود را تعریف می‌کند. وقتی جامعه یا حتی صنف متبوع برچسب مجرمیت را به فردی الصاق می‌نماید ناخودآگاه این ذهنیت را برای مرتکب ایجاد می‌کند که وی بالقوه یا بالفعل مجرم است و شخص خود را از دسته مجرمان خاص خواهد پنداشت و در همان راستا گام بر می‌دارد (شاهپوری و بشیریه، ۱۳۹۸: ۲۷۵-۳۰۲).

نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی یافتن علل وقوع جرایم و تخلفات انتظامی در صنعت مهندسی از منظر جامعه‌شناسی جنایی با استفاده از مصاحبه باز بوده‌است. در یک نگاه غیرخوشبینانه، این اعتقاد بین برخی مهندسان وجود

دارد که، صنعت‌ساخت و به ویژه پیمانکاری از معدود حرفه‌هایی است که در آن "طلب جرم" به معنای الزامی بودن رفتار مجرمانه برای نیل به هدف، به یک فرهنگ تبدیل شده‌است. دستگاه‌های چند لایه نظارتی و کنترلی در نپهان خود به واسطه برجسب‌های موجود، که در این صنعت نهادینه شده است، پیش‌فرض را بر عدم صداقت و مجرمیت طرف مقابل قرار می‌دهند و تغییر این نگرش هم چندان آسان نیست. به هر جهت این پارادایم وجود دارد که باید در مقابل تمام خواسته‌های مشروع یا غیرمشروع طرف مقابل خود به نحوی مقاومت نشان داد، همین مقاوت و ایجاد سد برای نیل به اهداف به نوعی مولد جرم است.

از منظر جامعه‌شناسی جنایی، علل وقوع جرایم در دنیای مهندسی از همان قواعد عمومی تبعیت می‌کند. با این تفاوت که مجرمان این صنعت دارای هوش، ذکاوت، توانمندی درخور در برقراری تعاملات اجتماعی، جایگاه اجتماعی مناسب و قدرت استدلال بالاتری نسبت به مجرمان عادی هستند. بر اساس پاسخ‌های دریافتی از مصاحبه شدگان، مهندسان در عموم موارد یک استدلال قوی و توجیهی برای ارتکاب جرم و شکستن قبح آن داشتند، به حدی که در برخی موارد منکر جرم یا تخلف بودن برخی رفتارهای مجرمانه بودند و آن را صحیح جلوه می‌دادند. این تحقیق به این نتیجه رسید که در توجیه رفتارهای مجرمانه صنف مهندسی، فنون خنثی‌سازی دیوید ماتزا جایگاه ویژه در تحلیل چرایی وقوع جرم دارد.

از سوی دیگر، از آنجا که پروژه‌های مهندسی با سرمایه‌های کلان در ارتباط هستند، طبیعی است نظریه‌های جامعه‌شناسی اقتصاد محور بتواند به بسیاری از علل وقوع جرم در این صنعت پاسخ دهد. در جرایم صنعت‌ساخت یقه سفیدها نقش برجسته‌ای دارند و به نحوی محرک و مشوق یقه آبی‌ها برای ارتکاب جرم به حساب می‌آیند. لیکن، با امان نظر به رفتارهای هنجارشکنانه در صنف مهندسی، اینگونه برداشت می‌شود که اگرچه عامل اقتصاد نقش بسزایی در وقوع جرایم در این صنعت دارد نباید آن را به عنوان مهم‌ترین عامل وقوع جرم و تخلف دانست. زیرا اهداف اقتصادی تنها عامل وقوع جرم در این صنعت نیست و برخی مجرمان نیز برای خود طلب هیچ‌گونه منفعتی نمی‌کنند، بلکه اهداف و آرمان‌های ظاهراً عقلانی و انسان دوستانه را دنبال می‌نمایند.

از مجموعه نظریات بحث شده در این مقاله، نظریه معاشرت‌های ترجیحی ادوین ساترلند می‌تواند هم‌تراز با نظریه فنون خنثی‌سازی توجیه‌کننده رفتارهای مجرمانه مهندسان باشد زیرا ارتکاب جرم در این صنعت به جز آنکه نیازمند هوش و فراصت است، بدون آموزش، تجربه و انگیزه کافی قابل ارتکاب نیست، زیرا تمام رفتارهای مهندسی در چندین مرحله کنترل شده و بر آن نظارت مستمر وجود دارد. لذا جرم و تخلف باید با دقت، فراصت و به تمیزترین شیوه ممکن ارتکاب یابد به نحوی که هیچ‌کس متوجه آن نشده و به راحتی قابل کشف هم نباشد.

از نگاهی دیگر و بر اساس نظریات جامعه‌شناسی انتقادی باید به این واقعیت اعتراف نمود که بسیاری از قوانین و شرایط امره قراردادی در صنعت‌ساخت با واقعیت و نیازهای موجود انطباق نداشته و به صورت

ناعادلانه‌ای تدوین شده و در عموم موارد منافع کارفرما را ارجح از مهندسان و به ویژه پیمانکاران می‌داند. این قوانین ماهیتی جرم‌زا دارند. وجود قوانین ناکارآمد طبیعتاً پایبندی افرادی که از آنها حمایتی صورت نمی‌پذیرد را به همراه نخواهد داشت.

اگرچه نظارت‌های چند لایه‌ای و پیشگیری‌های وضعی برای کاهش رفتارهای مجرمانه در صنعت ساخت مفید است، ولی شواهد حاکی از این واقعیت است که تأثیر کافی را نداشته و باید به چاره‌اندیشی متفاوت و نوینی روی آورد. باید اعتراف نمود در نظام آموزش عالی ضعف‌های جدی در پرورش مهندسان وجود دارد و دروس مهندسی چنان به علوم سخت و کمی گره خورده و مفاهیم انتزاعی و اخلاقی چنان مغفول مانده که گویی بُعد اخلاقی و آموزه‌های حقوقی در ارتقاء جامعه مهندسی بی اثر است! لذا، با توجه به علوم جرم‌شناسی و زیرشاخه‌های آن و نظریات مبتنی بر پیشگیری رشدمدار، پیشنهاد می‌گردد در دروس دانشگاهی مهندسی و دوره‌های آموزشی حرفه مهندسی به جز مسائل فنی و مهندسی صرف، دوره‌هایی نظیر اخلاق مهندسی و حرفه‌ای و مسائل حقوقی فراتر از بحث‌های حقوق قراردادی اعم از مسئولیت کیفری و انتظامی به صورت گسترده‌تری برای مهندسان ارائه گردد.

همچنین، به علت سیاست‌های غلط مبنی بر جذب حداکثری دانشجوی مهندسی بدون توجه به نیازهای آموزشی و پرورشی آنان و بدون توجه به ظرفیت جامعه برای پذیرش این حجم از مهندسان، تعداد مهندسان در سه دهه اخیر به صورت چشم‌گیری افزایش یافته است، از طرف دیگر، پروژه‌های عمرانی به علت رکود اقتصادی موجود و عدم نیاز یا توان کشور به تعریف پروژه‌های عمرانی جدید، سیر نزولی داشته و رقابت در این صنعت را بسیار مشکل و پیچیده‌تر از پیش نموده است. این امر در کنار فقدان سیاست‌های حمایتی لازم، مهندسان را وادار می‌نماید با حداقل حقوق و دستمزد مسئولیت‌های سنگین مهندسی را بپذیرند. طبیعی است که برخی مهندسان در این میان حس استعمار شدن یا به عبارت بهتر اندیشه قربانی بودن را داشته باشند. مضافاً، در مواردی که دستمزد مهندسان مستقیماً توسط حاکمیت مشخص می‌گردد (مانند دستمزد مهندسان ناظر) مبلغ حق‌الزحمه تناسبی با میزان مسئولیت و کار ارجاعی به مهندسان را ندارد که نیازمند بازبینی در قوانین و تعرفه‌های فعلی را دارد.

مخلص کلام آنکه نابرابری و بی عدالتی موجود در جامعه و نبود یک نظام آموزشی کارآمد، در کنار فقدان ابزار مناسب و در دسترس برای نیل به اهداف مشروع مهندسان و وجود این پارادایم که حاکمیت، حمایت برانزده فعالان صنعت ساخت را مطمح نظر نداشته و ندارد، از عمده علل وقوع جرم از منظر جامعه‌شناسی جنایی است. بر همین اساس در وقوع انواع جرایم در دنیای مهندسی نباید پیکان اتهام را تنها به سمت جامعه مهندسان نشانه گرفت، بلکه حاکمیت به علت تبیین ساختارها و سیاست‌های ضعیف و تصمیمات هیچانی و بدون مطالعه، در وضع موجود سهیم است.

۱. اجزاء شکوهی، محمد و همکاران. (۱۳۹۵). «تحلیل و بررسی تخلفات ساختمانی در کلان شهرها با تأکید بر قوانین و ضوابط شهرسازی (مناطق ۳ و ۹ شهر مشهد)»، فصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳، شماره ۲. پیاپی ۵. صص ۱۸-۱.
۲. اسمعیل پور، نجما؛ هروی، زهرا؛ حیدری‌هامانه، الهام. (۱۳۹۷). «بررسی علل وقوع تخلفات ساختمانی در شهرهای ایران با تأکید بر نقش شهرداری»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۱، صص ۲۹-۱۷.
۳. ایتکاری، محمدحسین؛ احمدی، سیروس. (۱۳۹۸). «تحلیل جامعه‌شناختی پتانسیل رفتارهای ناپه‌نجا با تأکید بر نظریه فشار عمومی اگنیو»، نشریه علمی انتظام اجتماعی، سال یازدهم، شماره دوم، صص ۱-۲۲.
۴. پژوهان، محمد و همکاران. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر تخلفات ساختمانی در شهرهای کوچک (شهر بابلسر)»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۵۲.
۵. تامسون، دوگ. (۱۳۹۷) *درآمدی بر جامعه‌شناسی جرم و انحرافات*. ترجمه رضاعلی محسنی، انتشارات جامعه‌شناسان.
۶. حطمی، ایمان و همکاران. (۱۳۹۸). «تحلیل علل جرایم اقتصادی ایران در پرتو نظریه‌های جرم‌شناسی اقتصادی»، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا، سال چهارم، شماره یازدهم، صص ۹۱-۱۱۴.
۷. رحیمی، وحید؛ پناد، عبدالصهمد. (۱۳۹۵). «تحلیل و بررسی آراء صادره کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری، مطالعه موردی: منطقه ۲ شهرداری زاهدان». چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا. دانشگاه تهران.
۸. رحیمی‌نژاد، اسمعیل؛ آقایی، مهدی؛ قلیپور، غلام‌رضا. (۱۳۹۴). «نظریه خنثی‌سازی جرم و ارتباط آن با عدالت ترمیمی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۸۵-۱۱۲.
۹. رستمی‌تبریزی، لمیاء، محتشمی، ندا. (۱۳۹۲). «نظریه تعامل‌گرایی و تحلیل انتقادی آن»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۵۹-۱۰۳.
۱۰. روستا، مجتبی؛ صحرایان، زهرا؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۷). «تحلیل فضایی تخلفات ساختمانی در شهر جهرم»، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۲۲، شماره ۶۵، صص ۱۶۲-۱۸۲.
۱۱. زمانی، زهره. (۱۳۹۰). «معضل تخلفات ساختمانی در پایتخت با تأکید بر شناسایی عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، شماره ۱۴، صص ۱۰۱-۱۱۸.
۱۲. شاهپوری، تهمینه؛ بشیریه، تهمورث. (۱۳۹۸) «رویکرد نظام‌تقنینی دادرسی کیفری نوین ایران مبتنی بر نظریه برجسب زنی»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، شماره ۸۷، ۱۳۹۸، صص ۲۷۵-۳۰۲.
۱۳. شهیدی، سید مرتضی؛ دهقان، نبی؛ بدیع صنایع، امین (۱۳۹۷)، «ارتباط مسئولیت انتظامی با مسئولیت کیفری و مدنی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۳، شماره ۸۳، صص ۱۲۹-۱۵۶.

۱۴. قورچی بیگی، مجید. (۱۳۹۸). «تحلیلی کیفی از بزهکاری یقه سفیدها: فهم زمینه‌ها و انگیزه‌ها»، مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، صص ۲۱۷-۲۳۸.
۱۵. کریستین، اس سیلر، آکرز، رونالد. (۱۳۹۰). «نظریه‌های جرم‌شناختی: مقدمه، ارزیابی و کاربرد». ترجمه بهروز جوانمرد، تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۰۵-۱۴۷.
۱۶. محمدنسل، غلامرضا؛ اشراقی، مهرداد. (۱۳۸۸). «نقش موقعیت در بزهکاری»، انتظام اجتماعی، شماره ۳، صص ۷۹-۱۰۲.
۱۷. محمدی، جمال؛ میرزائی، سارا. (۱۳۹۴). «تبیین وضعیت و شناخت عوامل مؤثر بر تخلفات ساختمانی در کالنشهرهای ایران مطالعه موردی: مناطق پانزده گانه شهر اصفهان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۳۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۱۷، صص ۱۹۵-۲۱۴.
۱۸. نجفی‌ابرنادآبادی. (۱۳۹۱). تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی به کوشش مهدی صبوری‌پور، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۹. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین؛ گلدوزیان، حسین. (۱۳۹۷). «جرم‌شناسی پست‌مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی»، پژوهش حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲۳، صص ۹-۴۶.
۲۰. نوغانی دخت بهمنی، محسن؛ میرمحمدتبار، سیداحمد. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم (فراتحلیلی از تحقیقات انجام شده در ایران)»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۱، صص ۸۵-۱۰۲.
۲۱. نیازپور، امیرحسین. (۱۴۰۰) درس گفتار جامعه‌شناسی جنایی، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۲. یامینی‌پور، وحید. (۱۳۸۹). «بررسی علل گرایش به جرم و انحراف در ساخت اجتماعی جوامع در حال توسعه با تکیه بر تغییر ساختار خانواده ایرانی - اسلامی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۲)، صص ۶۳-۸۸.